

# هنرمند مردمی ازبرچسب خوردن نمی ترسد

بامحمد گلرین، خواننده قدیمی قطعات ماندگار «بانگ آزادی»، «خجسته باد این پیروزی» و... درباره تأثیر موسیقی به عنوان ابزار فرهنگی در زمان دفاع از وطن گفت و گو کرده ایم و از او درباره سکوت برخی خوانندگان در شرایط کنونی پرسیده ایم



محمد بهبودی نیا

این روزها شاهد تولید آثار موسیقی محور فراوانی با موضوع دفاع از میهن و نیکویش تجاوز آمریکا و رژیم مهبونیستی به کشور مان هستیم. آثاری که برخی از آن ها را به یاد قطعات مشهوری که در تحولات تاریخی کشور از جمله ۸ سال دفاع مقدس نقش داشته است، می اندازد. تعدادی

- جناب گلریز، عده ای می گویند هنر ابرار فرهنگی قدر تمندی در دوران جنگ است. نظر شما در باره این جمله چیست؟

من با این حرف موافقم اما به نظر من بین همه هنرها موسیقی از همه تاثیر گذارتر است.

مثلاً خیلی وقت‌ها برای شما هم پیش آمده که می‌افزید که این موسیقی برای آن ساخته شده است، دلیل این تأثیر گذاری هم می‌تواند ارتباطات حسی عمیقی باشد که موسیقی با روح و جان انسان‌ها برقرار می‌کند.

در دوران انقلاب و دفاع مقدس آثار ماندگار فراوانی با موضوع وطن تولید شد که همواره روح ایران دوستی را در ذهن هم وطنانمان بیدار و بیدارتر می کند پس با این استدلال که موسیقی چنین تاثیر گذاری در زنده نگه داشتن هویت ایرانی و همچنین دفاع از وطن دارد می توان موسیقی را الزامی مؤثر چه در زمانه جنگ و چه در زمانه صلح به شمار آورد.

- چرا موسیقی‌هایی که امروز تولید می‌شود، کمتر از گذشته قدرت ماندگار در ذهن دارد؟

البته درباره این که موسیقی تا چه حد ماندگار است باید یک و یا حتی چند دهه از تاریخ تولید آن بگذرد تا درباره آن بتوان اظهار نظر کرد. اما معمولاً این موضوع در موارد زیادی صادق است.

همان گونه که گفته شد موسیقی ایرانی قدرتمند در زمینه دفاع از وطن است، دشمنان ما با آگاهی نسبت به این موضوع، سال هاست به صورتی نامحسوس به تبلیغ و انتشار انواعی از موسیقی روی آورده تا ذهن جوان هارا از گوش دادن به موسیقی هایی که به بیان اصالت ها و وطن دوستی می پردازد، دور کند مثلاً پدیا موسیقی های لسن آنجلسی را تبلیغ کرده اند، به هم عوامل داخلی و خارجی می واهوراد، به فضا مجازی به تبلیغ آن هاپر داخندت حاجی که سلیقه مخاطبان

# از رویا تا شعر

## روایت شاعر تونسسی از خوابش و شعری که برای ایران گفت

جولیا بطروس خواننده لبنانی در قالب موسیقی خوانده شد.

این شاعر تونسسی در مصاحبه‌ای با خبرنگار آزادی‌سازان درباره چگونگی سرودن این شعر گفت: رازی برایتان می‌گویم که جای دیگری نگفتم. اما وقتی سید حسن نصر... به شهادت رسیدند آن زمان احساس کردم، محور مقاومت تمام شد. خیلی احساس ناراحتی داشتم مخصوصاً به خاطر فعالیت‌های حزب... ولی چون ارتباط روحی قوی‌ای با حضرت فاطمه (س) داشتم، به ایشان توسل کردم. انگار به خودم که آن‌هم به خاطر صحبت‌های سید حسن بود که همیشه به رهبر انقلاب را جاع می‌داد، در حقیقت علما در پرچم مقاومت را رهبر انقلاب می‌دانستیم بنابراین بعد از مدتی توانستم خود را از یابی کنم. زمانی که رهبر

در حد زیادی تغییر کرد و برخی تهیه کنندگان به این بهانه که دوره موسیقی های فاخر گذشته به این موضوع دامن زدند، در نتیجه امروز شاهد حضور خوانندگانی هستیم که کمتر از وطن و هویت می خوانند و تعریفشان از عشق در حد «آخه من قربون اون چشات برم» پایین آمده است.

- اگر بخواهید برای خوانندگان و آهنگ‌سازهای جوان چند کلید طلایی تولید آثار ماندگار را معرفی کنید، آن کلیدها کدامند؟

از این قطعات عبارت اند از: «بانگ آزادی»، «رخپژید»، «خجسته باد این پیروزی» و ... به همین بهانه و برای با خبر شدن از دلایل ماندگاری این آثار با محمدعلی گلیپایگانی (زاده ۲ آبان ۱۳۳۵) مشهور به محمدرزای گفت و گو کرده ایم. همچنان این خواننده برجسته کشور درباره دلایل سکوت برخی خوانندگان در شرایط امروز پرسیده ایم.



**عکس: ایسنا**

و اوایل انقلاب آثار ارزشمند و ماندگار زیادی تولید شد. یاد می آید ما یک تیم بودیم متشکل از احمد علی راغب شهسپازی... و وقتی پای کار تولید می نشستیم تمام وجودمان می شد همان کار، با اعتقاد کامل و فراغ از این که تولید این اثر چقدر بر ایمان پول می آورد کار می کردیم. اصلاً موضوعات مادی بر ایمان در درجه آخر نبود چیزی که امروز کمتر دیده می شود به همین دلیل کارها با سرعت سرسام آوری ساخته می شود. آن زمان ما بعد از تولید اثر به

مناسبت های مختلف آن آثار را میان مردم به صورت زنده اجرا می کردیم. همدلی، اتحاد، همبستگی و یکپارچگی بین افراد گروه خیلی مهم است. از این که بگذریم به نظر من هنر مند در کنار خواندن قطعات عاشقانه باید نسبت به موضوعات مختلف وطن، فرهنگ و هویتش هم حساس باشد و گر نه شاهد انبوهی از ترانه های تک بعدی در فضای عاشقانه می شویم و در این فضا گفتگویمان تغییر می کند. من همد وقت به موضوعات مختلف بغیر می باشد شاهد اتفاقات شگرفی در موسیقی و توجه مخاطب به این حوزه خواهیم بود.

یک نکته مهم دیگر این است که بسیاری از آثار ماندگار ما در فضای دستگاہی ساخته شده و به نظر من هنوز این نوع موسیقی پتانسیل تولید شاهکارها را دارد. از طرفی برای توجه به همه سلیقه های توان با بهره بردن از این موسیقی غنی آثار فراوانی را در زمینه های مختلف و به ویژه موضوعات مرتبط با وطن و جنگی که همین امروز در آن به سر می بریم تولید کرد. از این ها که بگذریم مهم ترین راز ماندگاری آثار موسیقی محور دیدم در کار صداقت و مهریابی با مردم است.

- سخن پایانی
- سخن پایانی بنده ما دوستان هنرمندم است. ما بهترین مردم را داریم که همیشه در اجراهای ما کنارمان بوده اند و در این روزها هم دوماه است در هر شرایطی به خیابان می آیند و حالا وقت این رسیده ما هم با افتخار برای دفاع از میهن کنار آن ها باشیم. ما هر چه داریم از همین مردم است و باید فارغ از هر گونه فکر مادی یا بر چسب خوردن از سوی برخی افراد وارد میدان شویم، هنرمند مردمی هیچ گاه از بر چسب خوردن نمی ترسد.



که نام خامنه‌ای بر روی این مکتب باقی ماند و این مکتب ادامه خواهد داشت و تصویر ذهنی مردم از بین نخواهد رفت. گوشی‌ام را باز کردم تا در فیس‌بوک بیانی‌های ای بنویسم، فقط می‌خواستم بنویسم: اما زمانی که شروع کردم به نوشتن، این نوشته به قصیده‌ای تبدیل شد که شنیدید.

علمدار و هادی این مسیر است و اگر حتی ایشان را از دست داده ایم، این مسیر بدون مدیریت ایشان نخواهد بود.

زمانی که از خواب بیدار شدم، توانستم کمی خودم را جمع کنم، فکر مرا جمع کنم اما همچنان احساس می کردم خاطره ای که ذهن مرا درازا، لحاظ نور و لوژی زبان، خصوصا با اسم خامنه ای، مکتب خامنه ای و مکتب مقاومت کهنی و وصل می کرد از بی رفت. در واقع احساس می کردم با دست دادن ایشان، ممکن است خاطره جمعی مرا از دست بدهیم و نمی دانیم چه اتفاقی در آینده بیفتد. امروزه که تلفنم را باز کردم و دیدم سید کهنی، و اورت خلف، هنر انقلاب شدند و ایدم رهبر کنونی انتخاب شدند، خیلی خوشحال شدم. واقعا روحم داشت پرواز می کرد. خوشحال شدم.

عظیم الشان انقلاب شهید شدند، نمی توانم بگویم چه حسی داشتم و آن روز چه به من گذشت، آن قدر روزی بدی بود که شاید بگویم خون گریه کردم. همان شب که خوابیدم، خوابی دیدم که به این خواب را جایی نگفتم. خواب دیدم دارم به سمت آسمان می روم و همان طور که به سمت آسمان می روم به یک قصر شیشه ای می رسم. زمانی که وارد قصر شیشه ای شدم، میز بزرگی آن جا بود. یک سمت میز بزرگ سید حسن نصرا... بود و سمت دیگرش رهبر انقلاب ایستاده بود. روی این میز دریاپی بود در دریا زمین. دست رهبر انقلاب عصباً بود. عصارا به این دریا: دو زمین دوکتو که از هم باز شد و بعد رویه این سبز شد. همان موقع، این خواب را که دیدم متوجه شدم ایشان از میدان معر که طاهری در دنیا به میدان معر که باطنی رفته و آن جا هم

[illegible]